

دست به نقد شدن در ایران

نقد چیست و منتقد کیست؟ انتقاد از واژه یونانی *Kritikos* (قطعی) و *Krino* (قضاوت کردن) اخذ شده است که در کنار یکدیگر به معنای «هنر قضاوت» می‌باشد.^۱ کنستانس رورکر^۲ (۱۹۴۸) بیان کرده است که: «منتقد، باغبانی است که برای حاصل خیز کردن زمین، به خاطر برداشت یک محصول خوب، به زمین رسیدگی می‌کند». این بدین معناست که منتقد مسبب پیشرفت و بالا رفتن جایگاه اثر خواهد شد، اما وین اتو^۳ در کتاب معروف خود به نام «معماری و اندیشه نقادانه» توضیح داده است که: «نقد زمانی مفید خواهد بود که به جای اشکال تراشی‌های نابه‌جا، اثرگذار باشد و به جای تحقیر گذشته، سبب ترسیم آینده گردد^۴». پس می‌توان گفت که اگر نگاهی دو جانبه به تعریف کنستانس رورکر داشته باشیم و منتقد را شخصی بدانیم که هم در بهبود اثر مورد نظر تأثیرگذار است و هم در پیشرفت ایجاد آثار مشابه با اثر مورد نظر در آینده، تعریفی جامع از منتقد را ارائه نموده‌ایم. در واقع کار منتقد باید در جهت توسعه و بالا بردن کیفیت اثر مورد نقد و همچنین آثار مشابه با آن باشد. منتقد می‌تواند در حوزه‌های مختلفی از جمله هنر شامل: سینما و نمایش، معماری، شعر و ادبیات، موسیقی، هنرهای ترسیمی و هنرهای تجسمی، نفوذ کند و وظیفه خود را به درستی انجام دهد. برخلاف حوزه معماری، بازار نقد حوزه سینما و نمایش داغ است. برنامه «هفت» که مدتی از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شد، نمونه‌ای از تلاش منتقدین در حوزه سینما و نمایش و همچنین ادبیات (فیلم‌نامه و نمایش‌نامه) بود که در ابتدای امر، خود، مورد نقد واقع شد، اما دست اندرکاران این برنامه توانستند ذهن مخاطبان را رشد دهند و با جنبه‌های نقد و نقادی آشنا کنند. علاوه بر این، از آنجا که مردم عامه نیز با این هنر بسیار اخت گرفته‌اند، خود نیز پس از تماشای یک فیلم یا نمایش، دست به نقد می‌شوند؛ در محفل‌های خانوادگی، در دوره‌های دوستانه یا حتی در شبکه‌های مجازی. با این توضیحات، نوشتار حاضر تلاشی در آسیب‌شناسی توسعه نیافتگی ادبیات نقد در حوزه معماری ایران می‌باشد.

آسیب در فرهنگ عمید به معنای «عیب و نقص» و در فرهنگ معین به معنای «بلا و آفت» است^۵؛ لذا آسیب‌شناسی به معنای «شناختن عیب و نقص و بلا و آفت» می‌باشد. آسیب‌شناسی توسعه نیافتگی ادبیات نقد در حوزه معماری ایران را می‌توان در چندین علت اساسی برشمرد. عدم آشنایی صحیح منتقدین حوزه نقد معماری در ایران، یکی از آنهاست. متأسفانه برخی از منتقدین، ترازوی نگاه نقادانه خود را به درستی تنظیم نمی‌کنند و بر اساس آگاهی پایین خود، کم‌خوانی و اطلاعات پایین و عدم ارزیابی یا عدم توانایی ارزیابی مستندات و مدارک موجود در حیطه اثر، دست به نقد می‌شوند. منصفانه برخورد نمی‌کنند، نگاهی احساسی به قضیه دارند و به جای اینکه مانند یک داور مسابقه یا یک قاضی دادگاه عمل کنند، مانند یک هوادار یا یک وکیل طرفدار موکل خود وارد بازی می‌شوند و سلیقه خود را اعمال می‌کنند. برخی مواقع، گزافه‌گویی می‌کنند و به دنبال خودنمایی و منافع شخصی خویش‌اند؛ لذا درک درستی از نقد و نقادی ندارند. علاوه بر این، دانستن این موضوع که الدر و پل (۱۳۹۸)^۶ بر آن تأکید داشته‌اند، بسیار حائز اهمیت است، اینکه عادت به قضاوت صحیح بر اساس ممارست مکرر در قضاوت و ارزیابی قضاوت‌هاست که پرورش می‌یابد.

از طرفی، کم و کاستی‌هایی از جانب چندین ارگان و مسئول ذی ربط، گریبان‌گیر حوزه نقد معماری شده است. سازمان برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت علوم، مسئولین مرتبط با برنامه‌ریزی دروس و مدیر گروه‌های دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی معماری که از

^۱ برگرفته از کتاب «آنچه یک دانشجوی معماری باید بداند» (مترجم: رضا سامه، مصطفی مرادی و سید محسن موسوی)، ص ۱۸۳.

^۲ Constance Rourke

^۳ Wayne Attoe

^۴ برگرفته از کتاب «معماری و اندیشه نقادانه» (چاپ سوم، مترجم: امینه انجم شعاع)، ص ۱۹.

^۵ <https://www.vajehyab.com/?q=%D8%A2%D8%B3%DB%8C%D8%A8&d=en>, available at 12 September 2020.

^۶ برگرفته از کتاب «آشنایی با شیوه درس خواندن و خوب آموختن»، ص ۸۱.

تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان حوزه آموزش معماری می‌باشند، باید برای فقدان واحد درس «نقد معماری» در آموزش دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد چاره‌سازی کنند، زیرا این موضوع یکی از مسائل جدی است و متأسفانه مهر تأییدی بر اهمیت نداشتن موضوع نقد معماری در ایران است. حتی دانشجویان دوره دکتری معماری نیز ممکن است تمایلی به گذراندن این واحد درسی نداشته باشند و از آنجایی که اخذ واحدهای درسی دوره دکتری به صورت اختیاری می‌باشد، می‌توان با صراحت بیان نمود که احتمال عدم آشنایی و عدم درگیری متخصصین معماری با حوزه نقد معماری، بسیار زیاد است (موضوعی که می‌تواند مانعی برای شکل‌گیری پایه و فونداسیونی مطلوب برای پیشرفت و حرکت رو به بالا باشد). البته برخی از اساتید دانشکده‌ها به ویژه دانشکده‌های سراسری سعی می‌کنند که طرح‌ها و پروژه‌های دانشجویان را چندین بار در هر ترم به ژوژمان گذارند، بازخوردهای هر پروژه را بشنوند، در مورد آن صحبت کنند و نظراتی مبنی بر تجدید نظر پروژه ارائه دهند؛ با اینکه این نوع روش تدریس و نمره‌دهی اساتید از ارزش بالایی برخوردار است، اما بعضاً دیده شده است که دانشجویان را به خصومت و دشمنی با یکدیگر ترغیب می‌کند و فضای رقابتی تبدیل به فضای حسادتی و خصومتی می‌شود. چنانچه چارز موراویتز⁷ نیز، منتقد را این گونه تعریف کرده است: «منتقد همان کابویی است که اول شلیک می‌کند و بعد از شلیک گلوله، سؤالات و بازجویی خود را مطرح می‌کند» (قصاص پیش از محاکمه). تعریف موراویتز از نقد بدین معنا بوده است که منتقد پیش از شناخت موضوع، انتقاد می‌کند؛ مانند زمانی که یک دانشجو به دلیل خصومتی شخصی، بدون در نظر گرفتن اثر هم‌کلاسی خود، مانند یک کابو، اول به سمت او شلیک می‌کند و پس از آن، به بازجویی کردن از او می‌پردازد. بنابراین آموزش «نقد معماری» به دانشجویان دوره کارشناسی (که ممکن است تمایلی به ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد و بالاتر را نداشته باشند)، علاوه بر آشنا کردن آن‌ها با حوزه نقد و انواع آن، می‌تواند موجب ارتقاء فرهنگ انتقادپذیری و یادگیری درست شیوه انتقاد کردن آن‌ها نیز شود و پایه پیشرفت حوزه نقد معماری را مستحکم کند. علاوه بر این، دعوت نمودن از اساتید یا معمارانی که به صورت حرفه‌ای مشغول به کار در بازار هستند، می‌تواند مؤثر باشد و از آنجایی که دانشجو می‌داند که قرار است این افراد در مورد پروژه وی نظر بدهند، سعی می‌کند همواره کار خود را مورد ارزیابی و نقد قرار دهد تا پروژه‌اش، اشکالات کم‌تری داشته باشد.

افزایش بحث‌ها و گفت و گوها در کلاس‌های نظری و عملی در ترم‌های اول کارشناسی بسیار مهم است و دانشجویان را ترغیب به شرکت در بحث‌ها می‌کند. کلاس‌هایی که به صورت مشارکتی همراه با دانشجویان برگزار می‌شوند، می‌توانند در بروز عقاید دانشجویان بسیار تأثیرگذار باشند. امکان گروهی انجام دادن برخی از طرح‌های معماری در دوره کارشناسی نیز، به دلیل افزایش بحث‌ها و نقدها توسط هم‌گروهی‌ها (به منظور نتیجه بهتر و ارائه بهتر کار)، می‌تواند از گام‌های مؤثر در این زمینه باشد. علاوه بر این، اجباری نمودن دفاع پایان‌نامه‌های کارشناسی در تمام دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی، اقدامی مثبت در جهت ارتقاء اعتماد به نفس و عزت نفس دانشجویان و بالا بردن روحیه انتقادپذیری آن‌ها است. همچنین برگزاری سمینارهایی پیرامون نقد پروژه‌های معماری در سطح شهرها و بازدید از آن‌ها توسط انجمن علمی‌های دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز، می‌تواند مثر ثمر باشد و نتایج بسیار مثبتی بر انگیزه دانشجویان گذاشته و آن‌ها را ترغیب کند تا نظراتشان را در مورد پروژه‌ها بیان کنند و در طولانی مدت، به یک نقاد حرفه‌ای بدل شوند.

دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی همچنین می‌توانند فعالیت‌های خود پیرامون نقد معماری را در حوزه پژوهشی بالا ببرند، زیرا در حال حاضر، تعداد زیادی از این مراکز آموزشی، صاحب امتیاز مجلات دانشگاهی هستند و این امکان برای آن‌ها وجود دارد که بحث نقد معماری را به صورت پرنرنگ‌تری مورد توجه قرار دهند و دانشجویان و حتی اساتید را به نوشتن نقد یا تولید محتوای نقد معماری (مثلاً در قالب پوستر به صورت اسکیس یا به کمک نرم‌افزار) ترغیب کنند و نقش مهمی در ترویج این حوزه در معماری داشته باشند.

⁷ Charles Marowitz

در حال حاضر، مؤسسه‌های خصوصی در آموزش معماران و طراحان معماری نیز، نقش مهمی دارند و کم نیستند افرادی که صرفاً پس از گذراندن چند کلاس در زمینه رنگ، دکور، طراحی و نرم‌افزار، مدرک طراحی معماری دریافت می‌کنند و بدون گذراندن دوره‌های مرتبط با مبانی نظری معماری، وارد بازار کار شده و جذب شرکت‌های خصوصی معماری می‌شوند. زمانی بود که تعداد معماران کشور به ۱۰۰۰ نفر هم نمی‌رسید، اما در حال حاضر تعداد معماران، مؤسسات و حتی دانشکده‌های معماری، سرسام‌آور است. فرهاد احمدی در یکی از سخنرانی‌های خویش بیان کرد که: «کسانی که در حال فارغ‌التحصیل شدن از رشته معماری هستند و در مرحله پایان‌نامه می‌باشند، اگر فهم و درک درستی از معماری کسب نکرده باشند، تحویل آن‌ها به جامعه معماری، یک جنایت از سوی دانشکده‌های معماری تلقی می‌شود»؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که در حال حاضر، جنایت به جامعه معماری، علناً و آشکارا انجام می‌شود. همه می‌دانیم که چشم یک معمار باید مثل یک دوربین عمل کند و قادر باشد تا خصوصیات منفی و مثبت هر چیزی را که نظاره می‌کند، آنالیز، تحلیل و نقد کند، از خصوصیات مثبت آن استفاده کند و خصوصیات منفی‌اش را کنار بگذارد. حال اگر فردی که ادعای معمار بودن دارد، معماری را متوجه نشده باشد، چشمش عکاس نباشد و قدرت تحلیل مسائل را نداشته باشد، متأسفانه جنایت به جامعه معماری رخ داده است؛ لذا ضروری است که کیفیت آموزش معماری، مورد سنجش واقع شود و تمهیداتی اساسی برای اصلاح آن در نظر گرفته شود. از طرفی، وزارت علوم نیز می‌تواند مانع از ورود افرادی به مقطع کارشناسی ارشد شود که مدرک نامرتب با معماری دارند، زیرا در حال حاضر برخی از کارشناسان ارشد معماری، کارشناسی خود را در رشته‌هایی مانند: ریاضی و فیزیک، حسابداری، مکانیک و غیره گذرانده‌اند و با گذراندن چند دوره آموزشی و پس از آن، شرکت در آزمون می‌توانند وارد مقطع کارشناسی ارشد معماری شوند. این خود، یک نقص بزرگ در نظام آموزشی معماری ایران به شمار می‌آید.

مسئله بعدی در ارتباط با نظام مهندسی است که می‌تواند در سه حوزه مهم: پژوهشی، آموزشی و اجرایی، زمینه‌ای را برای توسعه نقد معماری فراهم آورد. نظام مهندسی می‌تواند با برگزاری سمینارهای مختلف در پروژه‌های شاخص شهری به نقد پروژه‌های اجرا شده بپردازد و با برگزاری دوره‌های حرفه‌ای نقد معماری، در حوزه آموزشی، گام مهمی را در توسعه و رشد هرچه بیش‌تر نقد بردارد. علاوه بر این، با توجه به اینکه نظام مهندسی مجلاتی را منتشر می‌کند، می‌تواند در حوزه نقد معماری، فعالیت بیش‌تری را انجام دهد و به انتشار نقدهای حرفه‌ای بپردازد و یا حتی نشریاتی تخصصی در حوزه نقد را به صورت فصل‌نامه منتشر کند و همگان را به نقد معماری ترغیب کند. نظام مهندسی، نقش مهمی را در حوزه اجرا ایفاء می‌کند و از آنجا که جلسات متعدد و مهمی با حضور رؤسا و مسئولین مهم سازمان‌ها در نظام مهندسی برگزار می‌گردد، زمینه مناسبی وجود دارد تا تدوین اصول و مقررات ساختارمندتر به منظور نقدهای حرفه‌ای پروژه‌ها صورت گیرد؛ به گونه‌ای که اعمال سلیقه شخصی در قضاوت‌ها حتی الامکان محدود شود و نقد حرفه‌ای بر اساس چک لیست‌ها و چارت‌های برنامه‌ریزی شده و از قبل پیش‌بینی شده صورت پذیرد. علاوه بر این، در نظر گرفتن تشویقی برای کارمندان ریزبین‌تر که قدرت تشخیص بالاتری در خطاهای صورت گرفته از جانب طراحان، مجریان و ناظران داشته باشند، می‌تواند یکی از راه‌های محقق ساختن توسعه حوزه نقد معماری باشد. توصیه می‌شود که نظام مهندسی علاوه بر نظارت بر کار مهندسیین و ارائه خدمات مهندسی، نظارت لازم و کافی بر ارگان‌های دیگر نظیر: شهرداری‌ها، سازمان میراث فرهنگی، سازمان نوسازی مدارس و غیره را نیز داشته باشد تا بتواند با نظارت هرچه بیش‌تر و نقد پروژه‌های اجرا شده و اجرا نشده در مرحله طراحی، علاوه بر توسعه نقد معماری، جانی تازه به معماری ایرانی ببخشد.

این موضوع بسیار واضح است که معماری برای استفاده مردم است و این، خواسته و نیازهای مردم است که پروژه را شکل می‌دهد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، منتقدین در حوزه سینما و نمایش، خوش درخشیده‌اند، اما یکی از حوزه‌های مورد مغفول مانده از حیث نقد و نقادی، معماری است. مردم نباید خود را جدا از معماری تصور کنند، چون با معماری زندگی می‌کنند، در آن قدم می‌زنند، نفس می‌کشند و گفت و گو و آداب و معاشرت می‌کنند. در برخی از کشورها به منظور اجرای یک پروژه، از همسایگان آن‌ها دعوت می‌شود تا در جلساتی شرکت نمایند و نظرات خود را در مورد اجرا شدن یا نشدن کاربری مورد نظر، تعداد طبقات آن، موقعیت پنجره‌ها و دیگر عوامل این چنینی اظهار کنند. جالب است که نظرات مردم عادی به قدری برای شهرداری و ارگان‌های مدیریتی

مربوطه این کشورها حائز اهمیت است که در برخی از مواقع، حتی اجرای کاربری مورد نظر مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. این موضوع به میزان اهمیت نظرات مردم (از تمام اقشار جامعه) در حوزه معماری و درگیری آن‌ها با معماری شهرهایشان اشاره دارد. علاوه بر این، وجود هیئت‌های داوری برای نقد پروژه‌های عمومی که با حضور مردم انجام می‌شود و پروژه‌ها را مورد تحلیل و نقد و ارزیابی پیش از اجرا قرار می‌دهد، می‌تواند گامی مؤثر در ارتقاء آگاهی جمعی در حوزه معماری باشد و افزایش کیفیت پروژه‌ها را نیز، به همراه داشته باشد. از طرفی، طراح چون می‌داند که پروژه وی مورد نقد قرار می‌گیرد و بایستی توانایی دفاع از آن را داشته باشد، به صورت مداوم در مراحل مختلف کار و فرآیند طراحی، خود را مورد نقد و بازنگری قرار می‌دهد و این مسئله، خود می‌تواند قدرت تحلیل، ارزیابی و نقادی طراح را ارتقاء بخشد.

رسانه‌های ارتباط جمعی (رسانه‌های صوتی- تصویری، نشریات و روزنامه‌ها) نیز، ابزاری برای ارتقاء سطح آگاهی جمعی هستند. بخشی از این رسانه‌ها زیر نظر دولت و بخش دیگر در دست شرکت‌های خصوصی اداره می‌شوند. فقدان بحث‌هایی پیرامون معماری در این رسانه‌ها، بسیار مشخص و ملموس است و در بهترین حالت، در رسانه‌های صوتی- تصویری به چند مصاحبه نیم ساعته در طول هفته ختم می‌شود. البته نشریاتی در زمینه معماری چاپ می‌شوند، اما برخی از آن‌ها به دلیل ترس از ایجاد جنجال، نقدهای معماری و نقد پروژه‌ها را منتشر نمی‌کنند، زیرا خطر سر و صدای اعتراض پس از آن را نمی‌پذیرند. یکی از مشکلات اساسی جامعه معماری ایران این است که متأسفانه ارزش زیادی برای امور پژوهشی و نقادی قائل نیست. باید این نکته را در نظر داشت که مبانی نظری معماری اگر بیش‌تر از طراحی معماری مهم نباشد، به اندازه آن مهم است. متأسفانه اغلب مجلات معماری ایران، تنها به طراحی پروژه‌ها و در نهایت مصاحبه با معماران آن‌ها می‌پردازند، غافل از اینکه نقد این پروژه‌ها از جانب صاحب نظران و مردم جامعه نیز، حائز اهمیت است و می‌تواند موجب پیشرفت در معماری شود. عدم رغبت صاحب نظران به نقادی معماری نیز، موضوعی دیگر است که مجلات تخصصی معماری می‌توانند با در نظر گرفتن جوایز و تشویقی برای منتقدان برتر، در جهت رفع این مسئله اقدام کنند. لازم به ذکر است که برخی از نشریات، به چاپ نقدهایی که توسط مردم عادی نیز نوشته می‌شوند، روی خوش نشان نمی‌دهند؛ از این رو باید توجه کرد که تمام نقدهایی که منطقی و اصولی باشند، مغرضانه نوشته نشده باشند، بتوانند گره‌ای از مشکلات فعلی معماری باز کنند و یا موانع احتمالی بر سر راه پیشرفت معماری ایران را محدود نمایند، دارای ارزش هستند. رسانه‌های صوتی- تصویری (که بیش‌تر مخاطبین آن‌ها، مردم عادی جامعه هستند) نیز، باید معرفی پروژه‌های ارزشمند معماری و همچنین آثار به وجود آمده طی مسابقات معماری (در سطح ملی و بین‌المللی) را در دستور کار خود قرار دهد، زیرا مورد اغماض قرار دادن این موضوعات به بی‌ارزشی حوزه معماری و نقد آن، بیش‌تر دامن می‌زند و سبب تنزل ارزش معماری خواهد شد؛ همان‌طور که در حال حاضر، وجود شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند اینستاگرام، این امکان را برای مردم ایجاد کرده است که خودشان ادعای معمار بودن کنند و برای طراحی دکور منازل خویش دست به کار شوند، کار معماری را بی‌ارزش و بدون تفکر قلمداد کنند و آن را تنها، هنر ترکیب عناصر بدانند که هر کسی با دیدن چند تصویر می‌تواند از عهده آن بر بیاید.

مسئله بعدی که بسیار حائز اهمیت است، اندک بودن کتاب‌های ترجمه شده در حوزه نقادی معماری می‌باشد که مربوط به عدم مسئولیت‌پذیری افراد کارشناس و متخصص در حوزه معماری است. متأسفانه متخصصین معماری، زمان لازم را برای ترجمه این منابع مهم صرف نمی‌کنند؛ علاوه بر این، در مورد آثار معماری کشور (که به اجرا درآمده‌اند یا هنوز اجرا نشده‌اند) و رویدادهای مرتبط با تخصصشان سکوت اختیار می‌کنند. اساتید معماری که الگوی دانشجویان خود هستند، رؤسای شرکت‌های معماری که مدیریت طراحی و اجرای پروژه‌ها را بر عهده دارند و حتی دانشجویان معماری که طراحان آینده معماری ایران هستند، باید دغدغه نقد معماری داشته باشند. آسیب‌شناسی نقد معماری ایران تنها مشمول دولت و مسئولین آن نیست، بلکه هر معمار باید خود، احساس مسئولیت کند و در راه پیشرفت معماری تلاش کند، دست به نقد پروژه‌ها، مبانی نظری و ضوابط‌های مرتبط با حوزه معماری (ضوابط طراحی کاربری‌ها، ضوابط مربوط به میراث فرهنگی برای تغییر کاربری بناهای قدیمی و غیره) شود، اقدام به کشف و ارائه راهکارهایی مطلوب کند و سدی در برابر ساخت کاربری‌های نامطلوب و یا تغییر کاربری‌های اشتباه باشد تا راه پیشرفت معماری هموار گردد.

معماران باید اعتماد به نفس و عزت نفس خود را ارتقاء دهند تا بتوانند افکارشان را بیان کنند. بسیاری از معماران، جسارت کافی را در بیان و نگارش نقد ندارند، می‌ترسند و دست به نقد نمی‌شوند. داشتن اعتماد به نفس و عزت نفس، یکی از شروط لازم برای انتقاد نمودن به شیوه صحیح است. شهامت داشتن برای پاسخ دادن به هر نوع بازخوردی که در پی نقد به وجود می‌آید، مهم است. مهم است که فرد جرأت کند تا مثل یک قاضی، منصفانه عمل کند نه جانب‌دارانه. مهم است که بتواند از عقاید و افکار خود دفاع کند و سایرین را توجیه کند.

عدم توجه کافی به هر یک از عوامل بیان شده در این نوشتار، می‌تواند آینده معماری ایران را به خطر واماندگی، عقب ماندگی و غرب‌زدگی بیش‌تر از پیش دچار کند. به راستی چگونه می‌شود بدون توجه به این موارد انتظار داشت که نقد معماری ایران توسعه یابد؟

آسیب‌شناسی نقد معماری در ایران و راهکارهای آن

راهکارها	آسیب‌شناسی نقد معماری در ایران	
۱-۱-۱-۱. گنجاندن درس «نقد معماری» در برنامه آموزشی ۱-۱-۱-۲. دعوت از اساتید دیگر دانشگاه‌ها و یا معماران حرفه‌ای برای گرفتن بازخوردهایی پیرامون پروژه‌های دانشجویان ۱-۱-۱-۳. افزایش بحث‌ها در کلاس‌های نظری و عملی ترم‌های اول کارشناسی و برگزاری کلاس‌ها با مشارکت دانشجویان در ترم‌های بالاتر ۱-۱-۱-۴. گروهی انجام دادن برخی از طرح‌های معماری در دوره کارشناسی ۱-۱-۱-۵. اجباری نمودن دفاع پایان‌نامه دانشجویان کارشناسی ۱-۱-۱-۶. برگزاری سمینارهایی پیرامون نقد پروژه‌های معماری در سطح شهرها و بازدید از آن‌ها توسط انجمن علمی دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی	۱-۱-۱. آموزش	۱-۱. دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی معماری و مسئولان مربوطه
۱-۱-۱-۱. اختصاص صفحاتی از مجلات دانشگاهی به حوزه نقد معماری	۲-۱-۱. پژوهشی	۲-۱. مؤسسات خصوصی و غیردولتی
۱-۱-۲-۱. گنجاندن دروس مرتبط با مبانی نظری معماری در برنامه آموزشی و تلاش برای تفهیم نمودن معماری	۱-۲-۱. آموزشی	۲-۲. مسئولین نظام مهندسی
۱-۱-۲-۱. برگزاری سمینارهای متنوع در پروژه‌های شاخص شهر برای نقد آن‌ها ۱-۱-۲-۲. برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌هایی برای آموزش نقد و تولید محتوای نقدانه	۱-۲-۱. آموزشی	۲-۲. نظام مهندسی و شهرداری‌ها
۱-۲-۱-۲. چاپ نقدهای ساختارمند تر در مجلات ۲-۱-۲. انتشار مجلات نقد معماری به صورت فصل‌نامه	۲-۱-۲. پژوهشی	
۱-۲-۱-۲. ساختارمندتر کردن قوانین و مقررات وضع شده برای نقد پروژه‌ها ۲-۱-۲-۲. در نظر گرفتن تشویقی برای کارمندان و هیئت‌های داوری ریزبین‌تر ۳-۱-۲. نظارت بر کار ارگان‌های مختلف مانند شهرداری	۳-۱-۲. اجرایی	
۱-۲-۲-۱. اعمال نظرات همسایگان پروژه در به اجرا درآوردن طرح پروژه و حتی تعیین کاربری آن ۲-۱-۲-۲. وجود هیئت‌های داوری برای نقد اجرای پروژه‌های عمومی با حضور مردم در مکان‌های عمومی شهر	۱-۲-۲. اجرایی	
۱-۳-۲-۱. گنجاندن درس «نقد معماری» در برنامه آموزشی ۲-۳-۲-۱. جلوگیری از ورود افراد با مدرک کارشناسی نامرتبط با رشته معماری به مقطع کارشناسی ارشد	۱-۳-۲. آموزشی	۳-۲. وزارت علوم

راهکارها	آسیب‌شناسی نقد معماری در ایران	
۱-۳. اختصاص برنامه‌هایی پیرامون معماری، مسابقات برگزار شده ملی و بین‌المللی در رسانه ملی و نقد آن‌ها از نظر صاحب نظران، کارشناسان و به ویژه مردم ۲-۳. اختصاص صفحاتی از روزنامه‌ها به معماری و رویدادهای مرتبط با آن و نقد آن‌ها ۳-۳. اعطاء جوایز نقد معماری به منتقدان برتر توسط مجلات معماری	۳-۳. رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی	۳. وسایل ارتباط جمعی
۱-۴. دانستن تعریف درستی از نقد ۲-۴. کوشش نقاد در ارتقاء اطلاعات، ارزیابی مستندات و سنجش منصفانه ۳-۴. ارتقاء مسئولیت‌پذیری و روحیه انتقادی خود ۴-۴. ترجمه منابع موجود پیرامون نقد معماری ۵-۴. ارتقاء اعتماد به نفس و عزت نفس خود	۱-۴. متخصصین معماری	۴. فردی

منابع

- اتو، وین (۱۳۹۴). معماری و اندیشه نقادانه (مترجم: امینه انجم شعاع، چاپ سوم، ویراستار: وحید امینی)، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف.
- الدر، لیندا و پل، ریچارد (۱۳۹۸). آشنایی با شیوه درس خواندن و خوب آموختن با استفاده از مفاهیم و ابزارهای تفکر انتقادی (مترجم: مهسا امر آبادی)، تهران: اختران.
- کروپینسکا، جادویگا (۱۳۹۹). آنچه یک دانشجوی معماری باید بداند (مترجم: رضا سامه، مصطفی مرادی و سید محسن موسوی)، تهران: طحان.
- <https://www.vajehyab.com/?q=%D8%A2%D8%B3%DB%8C%D8%A8&d=en>, available at 12 September 2020.